

نام کتاب:

مدیریت نگرش

برگردان کتاب:

Attitude 101  
What Every Leader Needs To Know

نویسنده:

جان ماکسول

برگرداننده به فارسی: مهندس فضل الله امینی

ناشر:

فرا

نوبت چاپ:

چهارم

خلاصه سازی و تدوین:

مهراب پرتوی دیلمی

شرکت پلاک آبی

آشنایی	۳
بخش ۱- اثر نگرش	۳
اثر نگرش بر شیوه رهبری	۳
اثر نگرش بر افراد	۵
بخش ۲ - شکل گیری نگرش	۶
عوامل موثر بر شکل گیری نگرش انسان	۶
امکان تغییر نگرش	۸
آیا موانع سبب پیشبرد نگرش انسان میشوند؟	۹
بخش ۳- آینده نگرش درست	۱۰
معنای شکست	۱۰
معنای موفقیت	۱۱
راه بالیدن رهبران	۱۳

## آشنایی

جهان هستی با گذر از دریچه نگاه انسان‌ها شکل می‌گیرد. دید و نگرش انسان‌هاست که به حقایق هستی، رنگ واقعیت می‌پوشاند و دیده می‌شوند آن‌طور که آنها می‌بینند. نگرش انسان مرز بین حقایق و واقعیت‌هاست. خوشبختی یک انسان سعادت‌مند بر پایه کردار نیک شکل می‌گیرد و کردار نیک جز بر پایه پندار نیک حاصل نخواهد شد.

تنها فرق بین موفقیت و شکست نوع نگاه است. اگر شما مدیر و رهبر یک سازمان هستید نمی‌توانید در کار خود آرزوی موفقیت داشته باشید مگر آنکه به نگرش کارکنان سازمان توجه داشته باشید. معمولاً به نگرش و طرز فکر افراد توجه نمی‌شود، مگر جز این است که تا وقتی انسان می‌تواند کارش را انجام دهد، نباید خیلی نگران این مسئله باشد!

## بخش ۱- اثر نگرش

### اثر نگرش بر شیوه رهبری

نگرش همواره یک پای تیم رهبری است و در کارها نقش دارد. موفقیت هر تیم فقط در گرو داشتن استعداد نیست. داشتن استعداد لازم است اما کافی نیست. بدن استعداد نمی‌توان پیروز شد ولی با داشتن استعداد هم می‌توان باخت. آنچه برد را، با داشتن استعداد تضمین می‌کند نگرش برد است.

پنج نکته زیر اثر نگرش را بر کار تیمی و بر رهبر تیم نشان می‌دهد:

۱. نگرش چنان قدرتی دارد که می‌تواند تیم‌ها را به اوج برساند یا به زمین بزند؛ نقطه تمایز رهبران واقعی با مردم عادی در دیدگاه و نگرش آنهاست، نه در شایستگی و استعدادشان. استعداد درخشان در کنار طرز فکر فاسد یک تیم بد می‌سازد ولی در کنار نگرش خوب تیمی عالی حاصل خواهد داد.

۲. نگرش‌ها وقتی در معرض نگرش‌های دیگر قرار می‌گیرند میل به ترکیب دارند؛ استعداد و تجربه واگیردار نیست اما نگرش یک فرد در تیم به سادگی به دیگران منتقل خواهد شد. مدیرانی که در برخورد با مشکلات روحیه خود را حفظ می‌کنند اثر مشابهی بر دیگران خواهد گذاشت.

۳. سرعت پخش نگرش بد بیشتر از نگرش خوب است؛ داشتن ژست منفی موجب خلق احترام نخواهد شد بلکه به شخص لطمه هم می‌زند.

۴. نگرش حالتی ذهنی و درونی است، بنابراین تشخیص نادرست بودن آن به سادگی ممکن نیست؛ نگرش واقعیت هرکس را برملا می‌کند و تظاهر آن کارها و حرکات اوست. حتی اگر نتوان عیب خاصی روی رفتار کسی گذاشت در بسیاری مواقع می‌توان نگرشی منفی را در او تشخیص داد. می‌توان شماری از نگرش‌های فاسد که موجب تباهی تیم‌ها خواهد شد را به شرح زیر شمرد:

✓ ناتوانی در پذیرش اشتباه: هیچ انسانی کامل نیست و کسانی که گمان می‌کنند کاملند به درد کار تیمی نمی‌خورند.

✓ قصور در بخشش: کینه ورزیدن هرگز کاری سازنده و مناسب نیست و اگر در تیمی حالت گذشت نباشد به زودی از هم خواهد پاشید.

✓ تنگ‌نظری: آرزوی برابری، سرچشمه حسادت و تنگ‌نظری است. هریک از انسان‌ها به نوعی خاص آفریده شده‌اند و عمل‌کرد آنها با هم متفاوت است.

✓ بیماری خودخواهی: خودخواه‌ها قویاً معتقدند که اهمیتی بیشتر از دیگران دارند و این نگرش نتیجه‌ای جز شکست تیم ندارد.

✓ روحیه خرده‌گیری: از نظر شخص خرده‌گیر کار هیچ یک از اعضای تیم درست و مقبول نیست.

✓ میل شدید به کسب تأیید انحصاری دیگران: فرد دارای چنین نگرشی آشکارا منتظر تحسین و کرنش است. خواه شایسته آن باشد و یا نه.

۵. نگرش زشت همه چیز را به تباهی می‌کشاند؛ در هنگام برخورد با نگرش بد نباید شک و دودلی به خود راه دهید زیرا مصلحت تیم مقدم بر هر احساسی است. رویارویی با نگرش‌های غلط آسان نیست بنابراین باید ابتدا آنها را شناخت و با آثارشان بر افراد آشنا شد.

### اثر نگرش بر افراد

نگرش انسان، با استعداد و ظرفیت او رابطه مستقیم دارد. نگرش در دراز مدت قابل پرده-پوشی نیست و آنقدر با حجاب می‌جنگد تا به‌طور طبیعی جلوه‌گر شود. انسان نمی‌تواند در درون دچار تلاطم باشد ولی در بیرون آرام و بی‌حرکت بماند.

نگرش بعضی‌ها در هر فرصتی که پیش می‌آید برای آنها مشکل‌ساز و دردسرآفرین می‌شود اما برای دیگران مشکل به فرصت تبدیل می‌شود. برای فهم بهتر اثر نگرش در زندگی افراد به هفت نکته بدیهی زیر توجه کنید:

۱. نگرش ما شیوه برخورد ما با زندگی را مشخص می‌کند؛ نگرش ما نمایان‌گر توقع ما از زندگی است. ریشه بسیاری از مشکلات در این است که برخی منتظرند دنیا به کام آنها تغییر کند.

۲. نگاه و نگرش ما تکلیف روابطمان را با مردم معلوم می‌کند؛ برقراری رابطه مناسب در جهان کنونی الزامی است زیرا گرچه با برخی به‌هیچ‌وجه نمی‌توان کنار آمد، بدون آنها نیز کاری از پیش نمی‌رود.

۳. معمولاً تنها فرق بین موفقیت و شکست، نوع نگاه است؛ شایستگی و لیاقت در موفقیت انسان نقش مهمی دارد، اما موفقیت یا شکست بیشتر تابع نگرش ذهنی است، نه شایستگی ذهنی. تفاوت آدم‌ها با هم جزئی است اما همان تفاوت جزئی موجب بروز اختلاف‌های کلی می‌شود. این تفاوت جزئی همان نگرش است.

۴. نوع نگرش اولیه در انجام هر کار، در نتیجه آن اثر قطعی دارد، اثری مهم‌تر از هر اثر دیگر؛ وجود نگرش درست در شروع کار ضامن موفقیت در نتیجه آن کار است. چیزهای خوب به نتیجه خوب ختم می‌شوند.

۵. نگرش ما می‌تواند گرفتاری‌ها و ناملايمات را به خیر و رحمت مبدل کند؛ فرق فرصت و مانع تنها در دید ما نهفته است. هر فرصتی مشکلاتی به همراه دارد و هر مشکلی فرصتی درون خود دارد. افراد بزرگ در کوره رنج‌ها و کمبودها آبدیده شده‌اند.

۶. نگرش ما می‌تواند آینده‌ای بسیار نویدبخش برایمان به ارمغان بیاورد؛ دورنما و چشم-اندازهای سازنده و نویدبخش ما را کمک می‌کند تا به نتایج نامعمول و غیرعادی برسیم.


افراد دارای این نگرش گاهی درک نمی‌شوند و بدون مرز خوانده می‌شوند. در واقع اینها مرزهای خود را دارند، ولی تا رسیدن به آن مرزها در مسیر موفقیت می‌تازند.

۷. خوبی نگرش شما بی‌حکمت نیست زیرا شما هم انسانی مذهبی هستید؛ گناهان کبیره همگی تابع نگرش، انگیزه‌ها و افکار باطنی هستند. افراد خشک‌مغز بیشتر گرفتار افکار باطنی هستند. نگرش سست ما را به جایی می‌برد که نمی‌خواهیم.

## بخش ۲ - شکل‌گیری نگرش

### عوامل موثر بر شکل‌گیری نگرش انسان

در شکل‌گیری نگرش عوامل زیادی دخیل هستند ولی پی‌آمدهای نگرش به مراتب بیش از آنهاست. نگرش انسان‌ها در خلاء شکل نمی‌گیرد. انسان با ویژگی‌های خاص زاده می‌شود و آن ویژگی‌ها در شکل‌گیری نگرش او دخیل هستند. هر انسانی در دوره‌های مختلف عمر خود، از پیش از تولد تا سنین پیری تحت تأثیر عوامل مختلف، از شخصیت ذاتی و سرشت گرفته تا محیط و زبان بازکردن و موقعیت‌های اجتماعی قرار دارد که همگی در شکل‌گیری نگرش وی سهیمند.

 **شخصیت:** همه انسان‌ها در هنگام تولد با هم فرق دارند. حتی دو کودک که از یک پدر و مادر، با یک محیط رشد و حتی با آموزش و پرورش یکسان. به‌طور کلی،

کسانی که سرشت خاصی دارند، نگرش خاصی پیدا می‌کنند که در بین دارندگان آن سرشت رایج است.

✚ محیط: محیط بیش از هر عامل دیگری در شکل‌گیری رفتار انسان‌ها موثر است. محیط دوران کودکی عامل پیدایش و شکل‌گیری «نظام عقیدتی» شخص است. باورهای انسان بر نگرش او موثر است، حتی اگر آن باورها درست نباشد. اهمیت محیط وقتی بیشتر می‌شود که بدانیم به سختی می‌شود نگرش‌های اولیه را عوض کرد.

✚ نقش کلام/آنچه می‌شنوم: نیش کلام و یا تأیید کلامی اثر بسیار بزرگی برای تمام عمر ما خواهد داشت و نگرش آینده ما را شکل می‌دهد.

✚ پذیرش و تأیید بزرگسالان/آنچه حس می‌کنم: برای دیگران مهم نیست که بدانند ما چقدر آگاهییم، مگر آنکه بفهمند چقدر به آنها توجه داریم. مدت‌ها می‌گذرد و آموخته‌ها از یاد می‌روند، اما احساس خوشایند ناشی از تأیید و پذیرش هیچ‌گاه از یاد نمی‌رود.

✚ خودانگاری/خود را چگونه می‌بینم: معمولاً عمل انسان مستقیماً واکنشی است به تصویر و انگاره‌ای که از خود در ذهن دارد. یکی از بهترین راه‌های بهبود عواطف درونی این است که اندکی از چاشنی موفقیت را همراه خود داشته باشیم. دیگران ما را آن‌طور می‌بینند که ما خودمان را می‌بینیم. کشف قلمروهای جدید هنگامی رخ می‌دهد که خودانگاره ما به اندازه‌ای نیرومند باشد که به ما اجازه قدم گذاشتن در آن قلمرو را بدهد.

✚ در معرض تجربه‌های جدید/فرصت‌های بالندگی: ما همیشه چند فرصت در اختیار داریم. باید تصمیم بگیریم که خطر کنیم و از آن فرصت‌ها استفاده کنیم. تجربه جدید بسیار تنش‌آور است اما زمینه‌ساز فرصت‌های جدید برای رشد و بالندگی نیز هست.

✚ همکاری با هم‌تایان/کسانی که بر من نفوذ دارند: نمودها و تظاهرات ادراک دیگران از ما در چگونگی ادراک ما از خودمان اثر دارد. معمولاً ما نسبت به توقعات دیگران واکنش نشان می‌دهیم. هم‌نشینان و هم‌تایان ما نقش عمده‌ای در شکل‌گیری نگرش ما دارند. از همین روست که والدین مراقب دوستان فرزندان خود هستند.

✚ قیافه ظاهری/از چشم دیگران: مردم روزبه‌روز بیش‌تر وادار می‌شوند قیافه‌ای پیدا کنند که برای دیگران دلپذیر است. عقل مردم در چشم آنهاست و معمولاً ارزش ما را از

روی ظاهر و قیافه ما معلوم می‌کنند. درست یا غلط، چهره و ظاهر مردم و درکشان از چهره و ظاهر خود بر نگرش آنها اثر دارد.

ازدواج، خانواده و شغل / امنیت و منزلت ما: در سال‌های میانه دهه سوم عمر، عوامل تازه-ای بر شکل‌گیری نگرش انسان اثر می‌گذارد. همسر، فرزندان و نوع شغل از این جمله‌اند. به این ترتیب دیده می‌شود که شکل‌گیری نگرش در انسان امری مستمر است و محدود به سن و سال خاصی نیست. لذا برای تغییر آن هیچ‌گاه دیر نیست.

### امکان تغییر نگرش

رمز برخورداری از یک نگرش خوب، داشتن شوق به تغییر است. ما یا خداوندگار نگرش-های خویش هستیم یا برده آنها. این که امروز کیستیم، محصول گزینش دیروز ماست. تغییر کردن یعنی انتخاب و میل به تغییر. بعضی افراد در باتلاق نگرش‌های خود گرفتار می‌شوند. اگر واقعاً خواستار تغییر باشیم، می‌توانیم از دام نگرش‌هایی که از آن راضی نیستیم رها شویم. برای این کار باید هشت مرحله را طی کنیم:

۱. نگرش کنونی خود را بسنجید: فرایند تحول از شناخت وضعیت کنونی آغاز می‌شود. ارزیابی نگرش کنونی مستلزم صرف وقت و پیروی از یک روش نظام‌مند است. یافتن احساس‌های ناگوار، شناسایی رفتارناگوار، شناسایی افکار ناگوار، تشخیص حقیقت، تعهد و برنامه ریزی و ایفای تعهد باید مرحله به مرحله انجام شود.

۲. قبول کنید که قدرت ایمان از ترس بیشتر است: تنها چیزی که موفقیت مسوولیت‌های دشوار یا نامطمئن را تضمین می‌کند، ایمان اولیه به توانایی انجام آن است. از دوستان و همکاران خود بخواهید در هر فرصتی شمارا تشویق و تأیید کنند.

۳. برای خود منشور هدف بنویسید: باید هدف خود را به طور روشن مشخص کنید و آن را مکتوب نمایید. به هدف خود خواهید رسید اگر: کاری را مشتاق انجام آن هستید بنویسید، با دوستی که مشوق شماست برنامه روزانه خود را در میان بگذارید تا تعهد بیشتری نسبت به آن حس کنید، و هر روز در راه رسیدن به هدف گامی بردارید.

۴. مشتاق تغییر باشید: هیچ گزینشی بیشتر از شوق به تغییر سبب موفقیت در تغییر نگرش نمی‌شود. حتی اگر همه عوامل سر ناسازگاری داشته باشند، ولی انسان



مشتاق تحول باشد، در مسیر درست حرکت خواهد کرد. اگر عاشق سختی‌های تغییر باشید، شاهد افزایش شوق به تغییر خواهید بود. وقتی تغییر می‌کنیم که چاره‌ای جز تغییر نداشته باشیم.

۵. امروز را دریاب: هر شخصی طاقت جنگ یک روزه را دارد. آنچه سبب اختلال و سردرگمی می‌شود حوادث امروز نیست، بلکه پشیمانی یا تلخی آنچه دیروز رخ داده یا ترس از پیشامدهای فرداست.

۶. الگوهای فکری خود را تغییر دهید: احساس و عاطفه انسان ناشی از فکر و اندیشه اوست، بنابراین با تغییر الگوهای فکری می‌توان احساس و عاطفه را تغییر داد. هر آنچه توجه انسان را به خود جلب کند بر تصمیم‌ها و کارهای ما اثر می‌گذارد.

۷. عادت‌های نیک را در خود پرورش دهید: با فهرست کردن عادت‌های زشت و ریشه‌یابی آنها، عوامل تشدید کننده‌شان پیدا می‌شوند. با انتخاب یک عادت جایگزین نیک و اندیشیدن درباره مزایا و پیامدهای آن به پرورش آن بپردازید و برای تحکیم آن هر روز کاری انجام دهید. خود را با توجه به مزایای این عادت تشویق کنید.

۸. همواره در فکر حفظ نگرش درست باشید: نگرش انسان همواره میل به بازگشت به الگوهای اصلی و اولیه را دارد مگر آنکه به دقت مراقب آن باشیم. مرحله ابتدایی تغییر معمولاً دشوارترین مرحله است. در هم شکستن و تغییر عادت‌های ناپسند بسیار دشوار است. در مرحله میانی با چالش جدیدی مواجهیم و آن تشخیص خوب یا بد بودن عادات جدید است. در مرحله نهایی بزرگترین دشمن خود می‌نماید: خوش خیالی و از خود راضی بودن.

#### آیا موانع سبب پیش‌برد نگرش انسان می‌شوند؟

بزرگترین نبرد انسان علیه ناکامی، نبردی است درونی نه بیرونی. مهم نیست که هدف‌های انسان در چه حوزه‌ای باشند، تنها راه پیشرفت این است که خطاها در مراحل اولیه باشند، انسان خطا را بپذیرد و در اثر خطا پس نزند و پیش برود. انسان به هر جایی که می‌رسد، مدیون راهی است که می‌رود. هدف همه سخنان این کتاب تلاش برای درگیر کردن افراد با فرایند رشد و بالندگی است. انسان‌ها به‌طور طبیعی میل به سکون دارند. اما در عین حال در دل هر موفقیتی، تحمل سختی و نامالایمات نیز وجود دارد. کسی که خطا نمی‌کند و ناکام نمی‌شود چه بسا که اصلاً حرکت نمی‌کند.

ناکامی جزو حتمی فرایند پیشرفت است. نامالایمات انسان را **نرمش پذیر** و قابل اصلاح می‌کنند. **پختگی** و کمال حاصل نامالایمات است، به شرط آنکه اختیار خود را به دست آنها ندهیم. نامالایمات انسان را وادار می‌کنند کارها را بهتر انجام دهند. وقتی انسان دریابد که می‌تواند از پس نامالایمات برآید **اعتماد به نفس** پیدا می‌کند و زیر بار سنت‌های پوچ نمی‌رود. نامالایمات **فرصت‌ساز** هستند، حذف سختی‌ها سبب کاهش توان و ظرفیت انسان می‌شود. نامالایمات **مشوق نوآوری** است، توان نوآوری و ابتکار در دل خلاقیت جا دارد و خلاقیت در سختی‌ها شکوفا می‌شود. نامالایمات **مزایای دور از انتظار** دارند، در علم همیشه خطا بر صواب مقدم است و نتایج حاصل از خطاها گاه خیره کننده است. و در آخر نامالایمات انسان را به **تکاپو** وادار می‌کنند. با گذر از رویدادهای ناگوار در می‌یابیم که سکه نامالایمات دو رو دارد. این روی دیگر همیشه مفید است به شرط آنکه انسان اشتیاق پند آموختن داشته باشد.

**موفقیت در این راه تابع نگرش ماست، یعنی توان برخورد مثبت با شکست و ناکامی.**

### بخش ۳- آینده نگرش درست

#### معنای شکست

خیلی از انسان‌ها با احساس ناشی از شکست کلنجار می‌روند و اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهند. ممکن نیست کسی خود را وامانده بداند و بتواند موفق شود. راه درست این است که انسان با نگرش درست با شکست مواجه شود و با اراده‌ای استوار ناکامی را پشت سر بگذارد و جلو برود.

همه آدم‌های موفق شکست را تجربه کرده‌اند اما هرگز خود را شکست خورده و وامانده نپنداشته‌اند. آنها دلایل کافی برای احساس واماندگی داشته‌اند ولی پایدار و سازنده به راه خود ادامه داده‌اند. آنها به شکست و ناکامی از منظری درست نگریسته‌اند. گذر از ناکامی به منزله اعتماد به نفس دروغین نیست. انسان‌ها با ستوده شدن در حد انتظار ما ظاهر می‌شوند، اما نباید در ستایش از آنان واقعیت را فراموش کنیم.

انسان‌های موفق برای آنکه مزه ناکامی را بچشند، آن را به خود نگیرند و همچنان پیش بروند به هفت توانایی مجهزند:

۱. **مبارزه با واژنش؛** انسان‌هایی که تسلیم نمی‌شوند به این سبب به تلاش ادامه می‌دهند که نتیجه کار خود را مبنای سنجش شایستگی و ارزش خود نمی‌دانند. مسوولیت کارها را بپذیرید ولی شکست را به خود نگیرید.

۲. گذرا تلقی کردن شکست؛ آدم‌های موفق، تنگنا و گرفتاری را امری گذرا و موقت می‌دانند نه امری که همیشه دامن‌گیر آنان است.
۳. نامرتب انگاشتن ناکامی‌ها؛ انسان‌های موفق نمی‌گذارند پیشامدها، تصویری را که از خودشان دارند مخدوش کنند.
۴. واقع‌بینی در توقعات؛ هر قدر آرزو و هدف انسان بزرگتر باشد باید آمادگی بیشتری برای مواجهه با مشکلات بزرگتر، غلبه بر آنها و پایداری و مقاومت بیشتر داشته باشد.
۵. توجه به توانایی‌ها؛ اگر ضعف جنبه سرشتی داشته باشد باید به آن توجه کرد تا تقویت شود، در غیر این صورت بهترین راه گذر از ناکامی، گسترش و پیشینه کردن نقاط قوت است.
۶. عوض کردن راه رسیدن به موفقیت؛ آدم‌های موفق رویکرد خود به مشکلات را با اشتیاق تغییر می‌دهند.
۷. شکوفایی دوباره؛ همه افراد موفق این توان را دارند که پس از یک خطا، استباه یا شکست بار دیگر کمر راست کنند و به اصطلاح گل کنند. رمز شکوفایی دوباره در نگرش ما به نتیجه پنهان است. با پیروی از این روش‌ها به موفقیت نزدیک می‌شویم.

### معنای موفقیت

گرفتاری بسیاری از مردم نداشتن توان موفقیت نیست، بلکه تعبیر غلط از آن است. بسیاری موفقیت را در گرو داشتن ثروت، قدرت، حس سعادت‌مندی، دارایی مخصوص و با ارزش و یا حتی رسیدن به پیروزی می‌دانند. اما واقعیت این است که همه اینها گذرا و مقطعی است. موفقیت رسیدن به هدفی خاص نیست بلکه مسیر رسیدن به آن هدف است. شرط رسیدن به موفقیت در دو نکته نهفته است: نگاه درست به موفقیت و قواعد درست برای رسیدن به آن. موفقیت از سه مولفه تشکیل می‌شود:

۱. شناخت هدف زندگانی،
۲. بالندگی برای رسیدن به توانایی پیشینه و
۳. تخم افشانی به سود دیگران

اگر نگاه ما به زندگی درست باشد احساس پوچی نمی‌کنیم و فرصتی را برای رشد و بالندگی از دست نمی‌دهیم و همواره از فرصت‌ها برای کمک به خود و دیگران استفاده می‌کنیم. شناخت هدف زندگی؛ کشش درونی و رسالت هر انسانی در زندگانی مخصوص است و هر کس باید تکلیف و وظیفه خود را انجام دهد. همه ما در زندگی غرض و مقصودی داریم که به خاطر آن آفریده شده‌ایم. برای درک هدف باید چهار سوال از خود بپرسیم:

۱. به دنبال چه می‌گردم؟ وظیفه ما یافتن آن چیز است که در زندگی آرزوی آن را داریم.

۲. چرا آفریده شده‌ام؟ هر انسانی با ویژگی‌های خاص خود آفریده شده و کشف این عوامل برداشتن گامی بلند به سوی یافتن هدف است.

۳. آیا به توانمندی خویش باور داریم؟ باید این پند را آویزه گوش خود کنیم که « هر جا هستی و با هر چه داری، آنچه می‌توانی بکن.»

۴. هنگام عمل؟ هنگام عمل هم اکنون است!

بالندگی تا مرز توان و استعداد؛ تنها سنجه واقعی موفقیت عبارت است از نسبت آنچه می‌توانستیم بشویم به آنچه شده‌ایم. توان و استعداد ما کمابیش حد و مرز ندارد، هرچند کمتر برای دستیابی به آن می‌کوشیم. زیرا انسان هرکاری را می‌تواند بکند، اما همه کارها را نمی‌تواند بکند. همه کارها همیشه هیچ‌کاره‌اند! برای پیش تاختن به سوی مرز توانایی‌ها و استعدادهایتان به این چهار رهنمون توجه کنید:

۱. یک هدف را عمده کنید؛ همه تلاش و حواس خود را یک‌جا جمع کنید.

۲. از اصلاح مستمر خود غافل نشوید؛

۳. گذشته را فراموش کنید؛ به یاد بسپارید که علیرغم ناملایمات گذشته انسان ظرفیت و توان غلبه بر مشکلات را دارد.

۴. به آینده بنگرید؛ آن کس که جلو را نمی‌پاید پس می‌ماند!

کاشتن تخمی که برای دیگران هم ثمر دارد؛ با شناخت هدف و قرار گرفتن در مسیر رسیدن به مرز توانایی‌ها در شاهره موفقیت قرار می‌گیریم اما برای بی‌نقص کردن این سفر باید به دیگران نیز یاری کنیم. ما با آنچه به دست می‌آوریم زندگی می‌کنیم اما با آنچه می‌دهیم زندگانی می‌بخشیم. نکته در این جاست که هدف خود را پیدا کنیم و در راه رسیدن به این هدف دست دیگران را هم بگیریم. اصولاً مدیریت و رهبری یعنی کمک به دیگران. اگر تلقی ما از موفقیت درست باشد، نگاه ما به خود و به زندگانی سازنده خواهد بود و رویدادها در

این امر تأثیری ندارد. و اگر بتوانیم زیردستان خود را تشویق کنیم که با همین دیدگاه به موفقیت بنگرند همواره امید خود را حفظ می‌کنند و موفق خواهند بود. زیرا آنان نیز اهلیت شناخت هدف و رسیدن به نهایت توانمندی‌هایشان و افشاندن تخم‌های بارور به سود دیگران را دارند.

### راه بالیدن رهبران

گذشت و فداکاری شرط پیشرفت رهبران است. رهبر واقعی کسی است که از خود گذشتگی دارد. رهبران باید از وقت، زندگی خصوصی، خانواده، امنیت و در یک کلام از حق خود بگذرند. وقتی رهبر می‌شویم حق فکر کردن به خود را از دست می‌دهیم. هرچه رهبر در سلسله مراتب کاری بالاتر برود میزان از خود گذشتگی وی بیشتر می‌شود. بدون نگرش ایثار موفقیتی در کار نخواهد بود. بالارفتن با فرونهادن همراه است. و این است طبیعت رهبری و این است قدرت نگرش درست.